

HUMAN RIGHTS & ERADICATION OF VIOLENCE ORGANIZATION
**Training and Empowerment of Young Advocates Professional Advocates in
Afghanistan**

مؤسسه حقوق بشر و محو خشونت
آموزش و توانمند سازی وکلای جوان افغانستان

بررسی عوامل خشونت‌های فامیلی در ولایت دایکندی

نویسنده: زهرا عارفی

ولایت دایکندی

سال ۱۳۹۹

زهرا عارفی متولد ۱۳۷۳ دانش آموخته ای تحصیلات نیمه عالی نرسنگ از انستیتیوت علوم صحتی لیگان و همچنان محصل رشته حقوق دانشگاه ناصر خسرو- ولایت دایکندی است. خانم عارفی یکی از اشتراک کننده های کلینیک حقوقی و محکمه تمثیلی حقوق بشر و محو خشونت در سال ۲۰۲۰ در مؤسسه حقوق بشر و محو خشونت بوده است. او از سال ۱۳۹۱ به حیث معلم سواد آموزی در قریه وطمه، ولسوالی خدیرو ولایت دایکندی ایفای وظیفه می نماید.

چکیده

خشونت یک پدیده ای اجتماعی و شکل افراطی رفتار پر خاشگرانه است که تحت تاثیر زیست شناختی، اقتصادی، اجتماعی و یا سیاسی است که تحت شرایط خاص از حالت نهفته به حالت انفجار می رسد، خشونت در جامعه ما معمولاً به شکل خشونت های خانوادگی، قانونی اجتماعی و اقتصادی پدید می آید. با توجه به دیدگاه جامعه شناسی قدامت خشونت به زندگی بشر برمی گردد که از دیر زمانی تا حالا به انواع و اقسام مختلف دامنگیر تمام جوامع بشری چه در کشورهای صنعتی و پیشرفته و چه در کشورهای فقیر و جهان سوم وجود داشته است. اشکال خشونت از یک کشور تا کشور دیگر نظر به فرهنگ شان متفاوت می باشد هم چنان و اکنش های جامعه نیز نظر به هنجار های فرهنگی-اجتماعی شان مختلف می باشند؛ بنابراین عوامل خشونت هم متفاوت است هم می تواند عوامل زیادی داشته باشد که در این میان کشور عزیز ما افغانستان نیز از جمله کشورهای است که تجربه خشونت را از قبل تا شرایط فعلی دارد. خانواده کوچک ترین واحد اجتماعی؛ اما مهم ترین واحد اثر بخش حمایتی و تربیتی است نیاز افراد به قرار و آرامش ایجاب می نماید که در فرهنگ خانواده رابطه مبتنی بر عقل و عاطفه باشد آنگونه که احساس امنیت اطمینان، سلامت، حمایت و رضایت را برای طرفین به ارمغان آورد، شکل گرفت. خشونت های خانوادگی، نوع پر خاشگری در محیط خانواده بوده که انواع و اقسام متعددی را شامل می شود مانند: خشونت های، روانی، فیزیکی، وابستگی اقتصادی، حفظ و سامان فرزندان، حفظ آبرو، وابستگی عاطفی، نداشتن اعتماد به نفس، تربیت فرهنگی و امثال آن را در بر می گیرد. با انجام این تحقیق، مشاهده و مصاحبه با افراد، مسئولین دولتی، فعالین مدنی و حقوق زن، جوانان و مطالعه پرونده های ثبت شده پیرامون موضوعات فامیلی به این نتیجه رسیدیم که عوامل مختلف در بروز خشونت های فامیلی در ولایت دایکندی نقش دارند، اما مهمتر از همه فقر، عدم آگاهی عامه و پایین بودن سطح سواد شهروندان، تعدد زوجات، رسم و رواج های ناپسند، اعتیاد به موادمخدر و سایر مسکرات، عدم پرداخت نفقه و مهر است. از آن میان فقر، پایین بودن سطح سواد شهروندان و آگاهی عامه از جمله ویژگی های بارز این امر به حساب می آیند.

واژگان کلیدی: خشونت، خانواده، زنان

مقدمه

قدمات خشونت بر می‌گردد به زندگی بشر در طول تاریخ که تا امروز دامن تمامی جوامع را گرفته و اشکال و انواع مختلف نظر به فرهنگ شان اتفاق می‌افتد، گرچند گام‌های زیادی در امر مبارزه با آن برداشته شده است اما هنوز هم این پدیده‌ی منفور با قوت خود باقی است. خشونت فامیلی یکی از مهم‌ترین بخش خشونت‌های مروج در جهان است که در تمام کشورها وجود داشته است. این خشونت آزارهای عاطفی، پولی و اقتصادی، جنسی، تهدیدات لفظی، اهانت به دخترزایی زنان، استفاده از قدرت و ذهنیت مردانه، پوشش تحمیلی زنان، صدمات جسمی، گرفتن زنان متعدد به بهانه‌های مختلف، منزوی کردن شخص از خانواده، محروم کردن شخص از غذا، پول، لباس، تخریب شخصیتی و امثال آن را شامل می‌شود.

از آنجا که خانواده رکن اصلی جامعه است، بنابراین، ناسازگاری خانواده تأثیرات به‌سزای در پیشبرد زندگی انسانی داشته است. خشونت‌های فامیلی بنیه‌ای یک جامعه مرفه و سعادت‌مند را خشک نموده و اخلاق عمومی را از بین می‌برد، بنابراین ضرورت ایجاد می‌نماید تا عوامل مهم و اساسی این پدیده را مشخص کنیم؛ زیرا اگر عوامل یک مسأله معلوم نباشد، ما هیچ عمل را پیرامون محو و کاهش آن برداشته نمی‌توانیم بلکه سرگردان در ماورای آن به سر می‌بریم. خشونت خانگی واقعیتی آزار دهنده و غیر قابل انکار در دنیای امروز است، در جهانی که محیط خانه می‌باید پناهگاهی باشد تا ساکنانش در آن بیاسایند و خستگی‌ها و رنج‌های ناشی از دشواری‌های محیط بیرون خانه را به فراموشی بسپارند، متأسفانه برای بسیاری از مردم، خانه به جهنمی می‌ماند که آتش دشمنی، خشم، خشونت، کینه و انتقام در آن هر لحظه شعله‌ورتر می‌شود. خشونت‌های خانگی مخصوص جامعه یا طبقه‌ای خاصی نیست، بلکه اکنون همه‌ی کشورهای دنیا و طبقات اجتماعی مختلف با آن دست‌به‌گریبانند و تغییرات و تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر روزه بر میزان آن افزوده است.

این پژوهش جهت توسعه و ترویج نظریه‌ها و روش‌های مبارزه با پدیده‌ای خشونت خصوصاً خشونت‌های فامیلی یا خانوادگی است و همچنین هدف این تحقیق رشد خودی، آشنایی با روش و انجام یک تحقیق علمی و پژوهشی است. تحقیق حاضر با استفاده از روش‌های تحلیلی-توصیفی و پیمایشی صورت گرفته، اطلاعات و داده‌های این پژوهش به روش کتابخانه‌ی و میدانی جمع‌آوری گردیده است.

مبحث اول: مفاهیم و کلیات

برای وارد شدن به بحث اصلی نیاز است با بعضی از مفاهیم مهم آشنایی حاصل نماییم لذا در قدم نخست مفهوم خشونت، معنای لغوی و اصطلاحی، انواع خشونت‌های مروج در جامعه افغانستان و دایکندی و نظریه‌های جامعه‌شناختی و روانشناختی پیرامون خشونت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

گفتار اول: مفهوم و تعاریف خشونت

۱. مفهوم خشونت

خشونت یک پدیده اجتماعی و شکل افراطی رفتار پرخاشگرانه است که تحت تاثیر، عوامل زیست شناختی، اقتصادی، اجتماعی و یا سیاسی، تحت شرایط خاص از حالت نهفته به حالت انفجار می رسد. خشونت در حقیقت یک پدیده نامرئی و قابل لمس نبوده، بلکه احساس خشن و ناتوانی در طبیعت درونی انسان است که در حالات بیچارگی و نیاقتن راه حل مسأله مانند یک نیروی بسیار قدرتمند فیزیکی بر یک فرد، یک شی، یک حیوان و یا گروهی اجتماعی اعمال می گردد. خشونت در کل ضرر رسانی و تخریب مادی و معنوی، اعمال هر نوع آسیب یا انسداد و صدمات روانی از یک جانب بر جانب دیگر است. (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰)

۲. خشونت در لغت

خشونت در عربی، درشتی، خشن شدن و ضد نرمی را گویند. در لغت نامه دری-فارسی، خشونت یعنی درشتی، ناهمواری و تندخویی می باشد. خشونت در فرهنگ حقوقی (black) به معنای استفاده ای ناروا، تعرض آمیز و برخلاف قانون از قدرت آمده و به سوء استفاده از قدرت بر علیه آزادی‌ها و حقوق عمومی تعریف شده است. (<http://www.afghan-german.com>)

۳. خشونت در اصطلاح

به اساس دیدگاه سازمان جهانی بهداشت (WHO) خشونت استفاده و به کارگیری آگاهانه قدرت و نیروی جسمی به صورت عملی یا تهدید آمیز علیه خود یا فرد دیگر یا علیه گروهی از مردم است که به احتمال قوی منجر به آسیب‌های روانی، جراحت، مرگ یا محرومیت و رشد غیر طبیعی در شخص یا اشخاص مقابل می شود. (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰)

به اساس اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در سپتمبر سال (۱۹۹۲) خشونت علیه زنان به معنای هر عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت است که سبب بروز یا سبب احتمال بروز آسیب‌های جسمی، جنسی یا روانی یا رنج و آزار زنان از جمله تهدید به انجام چنین اعمال محرومیت‌های اجباری یا اختیاری (در شرایط خاص) از آزادی در زندگی عمومی یا در زندگی خصوصی می گردد. (اشتری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹)

و طبق قانون منع خشونت علیه زن سال (۱۳۸۸)، خشونت عبارت از ارتکاب اعمال مندرج ماده (۵) این قانون است که موجب صدمه به شخصیت، جسم، مال و یا روان زن گردد. (قانون منع خشونت، ۱۳۸۸، ماده ۳)

گفتار دوم: انواع خشونت

خشونت نه پدیده ای جدیدی است و نه محدود به نقطه جغرافیای خاص می شود که معمولاً به خشونت‌های فزیک، روانی و کلامی، جنسی و خشونت اقتصادی تقسیم بندی می گردد، اما در افغانستان به طور کل خشونت علیه زنان در چهار بخش اعمال می شود.

۱. خشونت های خانوادگی

خانواده بزرگترین کانون خشونت برای زنان و کودکان به شمار می رود، اما بسیاری از دختران و زنان حاضر نیستند، خشونت خانگی را به پولیس گزارش دهند در واقع خشونت خانواده نیز به انواع خشونت‌های، روانی، فزیک، وابستگی اقتصادی حفظ سامان فرزندان، حفظ آبرو، وابستگی عاطفی، نداشتن اعتماد به نفس و تربیت فرهنگی تقسیم می گردند. (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴-۱۲۳)

۲. خشونت های قانونی

خشونت‌های قانونی به دو صورت قابل مشاهده است. اول توسط قوانین عرفی که جرگه های محلی برای حل معضله های اجتماعی مانند، خونبها و امثال آن ها بالای زنان تحمیل می کند. دوم، عدم تطبیق قانون مدنی و اساسی در خصوص حقوق زنان. (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴)

۳. خشونت های اجتماعی

ممانعت از حق تحصیل، اشتغال زنان، نگاه تبعیض آمیز به زنان به عنوان جنس دوم تبعیض در پرداخت دستمزد، ظلم و تجاوز، زورمندان و امثال آن ها از جمله انواع خشونت‌های اجتماعی صد راه زنان است. (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵)

۴. خشونت های اقتصادی

می بینیم که زنان افغانستان اکثراً به آن فعالیت‌های اقتصادی رو می آورد که بیشتر جنبه سنتی و غیر رسمی دارند مانند قالین بافی، گلدوزی، مالداری زراعت و نظیر این ها که هیچ ثمره اقتصادی برای آنان ندارند. چون روحیه تبعیض آمیز و نبود فرهنگ درست کشور و عدم توجه سران دولت، حق مالکیت اساسی از زنان برداشته شده و به نحو در انحصار قرار می‌گیرند. (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۶)

گفتار سوم: نظریه های خشونت

الف) خشونت از دید روانشناختی

۱. نظریه خشونت ذاتی

این نظریه از قدیمی ترین توجیهاست که فروید باور داشت موجودات انسانی برای بروز رفتارهای خشن از پیش به طور ذاتی برنامه‌ریزی شده‌اند که تکانه های غریزه مرگ طلبی را در فرد ایجاد می کند در طی زمان انباشته می‌گردند، در صورت که به تناوب رفع و آزاد نشود به زودی به سطح ویرانگر می رسند و موجب اعمال خطرناک و آسیب رسان می شود. (فاطمه طلائیگی و مزده طلائیگی، ص ۲)

۲. پرخاشگری به مثابه رفتار اجتماعی آموخته شده

اولین بار این نظریه را "بندورا" بر این فرض مطرح کرد که مشاهده خشونت باعث یادگیری آن می شود یعنی؛ خشونت، خشونت بار می آورد او معتقد است که افراد از تجربیات گذشته خود پرخاشگری را به عنوان یک واکنش فرا می‌گیرند. افراد از انجام پرخاشگری پاداش مورد نظر خود را دریافت می کند. شرایط اجتماعی و محیطی خاص، افراد را به سوی پرخاشگری سوق می دهد. یعنی، از نظر بندورا افراد خشونت و پرخاشگری را مانند هر رفتاری دیگری در فرآیند اجتماعی شدن و در تعامل به محیط می‌آموزند. (فاطمه طلائیگی و مزده طلائیگی، ص ۳)

ب) خشونت از دید جامعه‌شناسی

۱. نظریه فراگیری اجتماعی

پژوهشی‌های اجتماعی تائید کننده نظریه فراگیری اجتماعی هستند مثلاً فرزندان اعمال خشن را از والدین یاد می‌گیرند از مهمترین عوامل شکل‌گیری رفتار تهاجمی فرزندان عدم حمایت پدر و مادر آنهاست. بنابراین قسمت از خشونت‌های بزرگ سالان ریشه در دوره کودکی آنان دارند. (www.dailyafghanistan.com)

۲. خشونت به مثابه امر فطری

"اریک فروم" معتقد است که انسان دارای پرخاشگری بالقوه و ذاتی است که اساساً در پاسخ به تهدید علایق حیاتی او به طور کلی بروز می‌کند. این خشونت برای حفظ حیات و دفاع از خود ضروری است، ولی نوع دیگری آن غریزی نیست بلکه تحت تأثیر یادگیری و محیط فرهنگی و اجتماعی انسان است، طوری که "الویت ارینسون" می‌گوید، انسان حیوان پرخاشگر و ستیزه جو است.

ج) خشونت از منظر جرم‌شناسی

مهمترین زمینه‌های گرایش به خشونت در جامعه ما زمینه‌های اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی می‌باشند در بعد اجتماعی محرومیت ساختاری عمده ترین نقش را در گرایش افراد به خشونت‌های فردی و به ویژه خشونت‌های گروهی و شورش-های اجتماعی دارد در بعد فرهنگی رفتارهای جمعی افراد جامعه، متأثر از فرهنگ آن جامعه است یعنی فرهنگ یک جامعه می‌تواند هنجاری را تقویت و یا تضعیف نماید و آرامش طلبی نیز در بطن فرهنگ قرار دارد به هر حال ریشه ای پرخاشگری و خشونت را می‌توان در میان اجزای فرهنگی یک جامعه جستجو کرد. (ارشدی، ملکی و سعیدی، ۱۳۹۲، شماره ۲۲)

گفتار چهارم: خانواده

الف) مفهوم خانواده

خانواده کوچکترین واحد اجتماعی؛ اما مهم‌ترین واحد اثر بخش حمایتی و تربیتی است نیاز افراد به قرار و آرامش ایجاب می‌نماید که در فرهنگ خانواده رابطه مبتنی بر عقل و عاطفه باشد آنگونه که احساس امنیت اطمینان، سلامت، حمایت و رضایت را برای طرفین به ارمغان آورد، شکل گرفت. به عبارت دیگر خانواده یک گروهی خویشاوندی است که در اجتماعی کردن فرزندان و بر آوردن برخی از نیاز های بنیادین دیگر مسئولیت اصلی را به عهده دارد. خانواده مرکب از گروهی از افراد است که از طریق خون ازدواج یا فرزند خواندگی به یکدیگر مربوط و منسوب بوده برای مدت طولانی و نامشخص باهم زندگی می‌کنند. (فاطمه طلائیگی و مرزده طلائیگی، ص ۳)

ب) **تعریف لغوی فامیل:** از نگاه لغوی کلمه فامیل در زبان دری معنا های مختلف را افاده می‌کند چنانچه در فرهنگ معاصر دو جلدی انگلیسی - فارسی اصطلاح فامیل به معنای خانواده و دودمان، خاندان، زن و بچه، عایله، اهل خانه، طایفه، قبیله، اصل و نسب، تبار و تیره استعمال شده است. (عدالت خواه، ۱۳۸۷، ص ۱۶)

ج) **معنای اصطلاحی فامیل:** از نگاه اصطلاحی کلمه فامیل از دو نقطه نظر تعریف شده می‌تواند یکی از نظر خاص و دیگری از نظر عام.

۱. **فامیل از دیدگاه خاص:** عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت تأثیر سرپرستی آنها است که معمولاً باهم زندگی می‌نمایند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند. معیار تشخیص این شکل از خانواده همان ریاست یک شخص بر

اعضای آن است. یا به عبارت دیگر فامیل به مفهوم خاص به یک گروهی اشخاص اطلاق می گردد که در یک خانواده زندگی داشته و معمولاً شامل پدر، مادر و فرزندان آنها می باشند.

۲. **فامیل از دیدگاه عام:** عبارت از گروهی است مرکب از شخص و خویشاوندان نسبی و همسر او، گروهی که از یکدیگر ارث می‌برند و گاهی هم تمام خویشاوندان سببی در مفهوم خانواده شامل می گردد. (عدالت خواه، ۱۳۸۷، ص ۱۷) قانون مدنی کشور ما اصطلاح فامیل را در ماده (۵۶) خویش چنین تعریف کرده است: "فامیل انسان متشکل از اقارب است که توسط یک اصل مشترک باهم جمع شده باشند". (قانون مدنی، ۱۳۵۵، ص ۲۰)

گفتار پنجم: انواع خانواده

تصویر قالبی ما از خانواده که از شوهر، زن و فرزندان تشکیل می شود، چنانچه ساخت خانواده را در سراسر تاریخ زندگی بشر مورد ملاحظه قرار دهیم نمونه چندان جامع نیست، بلکه از یک فرهنگ تا فرهنگ دیگر متفاوت است. تنوع بسیار در ساخت خانواده ملاحظه می شود و این تنوع ممکن است به صورت های بسیار متفاوت در جوامع انسانی وجود داشته باشند.

(الف) تک همسری: مسلم است که تک همسری شایع ترین ازدواج در مغرب زمین است. غالباً دولت‌ها یک قانون را برای فردی که بیش از یک زن داشته باشد وضع می کند و همین موضوع در مورد زن نیز صادق است.

(ب) چند همسری: عبارت از ازدواج یک شخص اعم از زن و مرد با بیش از یک همسر است. در جوامع که چند همسری شیوع دارد این امر نمادی از پایگاه اجتماعی فرد است مثلاً در برخی جوامع داشتن بیش از یک زن مزایای اقتصادی و اجتماعی دارد مردیکه قادر باشد چند زن بگیرد از پایگاه بالای در جامعه برخوردار است.

(ج) چند شوهری: نوعی ازدواج است که یک زن با بیش از یک مرد ازدواج می کند این مورد جوامع مروج است که در آن زندگی بسیار دشوار زمین نایاب و نگهداشتن زن‌ها با محذورات اقتصادی فراوان همراه است. ازدواج گروهی، نیز در برخی قبایل معمول است و آن ازدواج همزمان چند مرد با چند زن است.

(د) ازدواج چند زنی: یکی از صورت های چند همسری است که ازدواج یک مرد با بیش از یک زن را مشخص می کند. این ازدواج در اکثری کشورهای اسلامی چین و سایر کشورها وجود دارد.

(ه) خانواده هسته‌ای: عبارت از واحد خانوادگی انسانی که شامل شوهر، زن و فرزندان است این گونه واحدها را گاهی خانواده "زن و شوهری" نیز می گویند.

(و) خانواده گسترده: عمده ترین شکل خانواده در اجتماعات روستایی و عشایری است، یعنی در خانواده‌های که خودکفایی برای ادامه زندگی نداشته باشد و برای نیازهای متقابل اقتصادی اجتماعی و احساسی روابط خویشاوندی را بسازد. (بروس کوئین، ۱۳۷۲، ص ۱۶۹ - ۱۷۱) انواع فامیل به شکل دیگری نیز قابل بحث است

۱- **فامیل مشروع:** این نوع فامیل بر اساس عقد ازدواج و آن هم با رعایت یک سلسله شرایط خاص بوجود می‌آید.
۲- **فامیل مبتنی بر تبنی:** این شکل فامیل که بنام فرزند خواندگی نیز یاد می شود معمولاً ناشی از یک عمل قضایی می باشد.

۳- **فامیل غیر مشروع:** این شکل از فامیل از اثر ارتباط آزادانه طرفین بدون رعایت شرایط ازدواج بوجود می‌آید. (عدالت خواه، ۱۳۸۷، ص ۱۸ - ۱۹)

مبحث دوم: تحلیل یافته های تحقیق

این مبحث در پنج گفتار جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد.

گفتار اول: روش انجام تحقیق

تحقیق حاضر با استفاده از روش میدانی انجام شده که با تهیه پرسش نامه ۱۹ سوال طرح گردیده که به مهم ترین موضوعات مرتبط با خشونت های فامیلی، عوامل آن، پیامد های آن و بارز ترین مصداق های آن در ولایت دایکندی اشاره دارد تا نظریات پاسخ دهنده گان در این مورد جمع آوری گردد. این سوالات در سه بخش سوالات بله / نخیر، سوالات چند گزینه ای و سوالات توضیحی تهیه شدند تا به طور دقیق معلومات کمی و کیفی راجع به موضوع بدست بیاید. تا حد امکان تلاش شده سوالات به نحو مطرح شود که بی طرفی در تحقیق حفظ شده و جواب پیش فرض برای پاسخ دهنده گان دیکته نشود. بعد از جمع آوری نظریات پاسخ دهنده گان این معلومات خام با استفاده از سیستم های معمول تحلیل دیتا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تحلیل نتایج آن در جدول ها، نمودار ها و هم چنان به صورت تشریحی به متن درآورده شده است. بر علاوه در این پژوهش به نوع پیمایشی (اخذ معلومات، تحلیل و تبیین موضوع) پیرامون عوامل خشونت های فامیلی در ولایت دایکندی تحقیق و جهت توسعه، ترویج نظریه ها و روش های مبارزه با پدیده ای خشونت خصوصاً کاهش خشونت های خانوادگی در ولایت دایکندی صورت گرفته است با افراد از ولسوالی های ولایت دایکندی، مسئولین دولتی، فعالین مدنی و حقوق زن، جوانان مصاحبه صورت گرفته و پرونده های ثبت شده پیرامون موضوعات فامیلی در آمریت سارنوالی مبارزه با خشونت علیه زن و تخلفات اطفال- ریاست سارنوالی استیناف ولایت دایکندی، ریاست امور زنان ولایت دایکندی و دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر ولایت دایکندی که به صورت نمونه انتخاب گردیده بود، مطالعه گردیده، معلومات را اخذ، تحلیل و تبیین نمودیم.

گفتار دوم: مشخصات پاسخ دهنده گان

مشخصات پاسخ دهنده گان							
سطح تحصیل		حالت مدنی		سن	جنسیت		تعداد
بی سواد	۱۰٪	متاهل	۴۰٪	۲۵-۱۹ نفر بین ۲۵٪	۷۰٪ زن	۳۰٪ مرد	۴۱ نفر
سواد	۹۰٪	مجرد	۶۰٪	۳۵-۲۵ نفر بین ۲۲٪			
				۵۰-۳۵ نفر بین ۸٪			

شرح جدول:

جامعه آماری این تحقیق به تعداد ۴۱ نفر از اقشار مختلف جامعه به طور اتفاقی برای اشتراک در این نظر سنجی انتخاب شده اند، از این میان ۳۰٪ آنها مردان و ۷۰٪ زنان بوده. ۴۰٪ پاسخ دهنده گان متاهل و ۶۰٪ آنها مجرد هستند. اکثریت یعنی ۹۰٪ پاسخ دهنده گان دارای سواد بوده و از لحاظ رده های سنی پاسخ دهنده گان این تحقیق در بین سنین ۱۸ تا ۵۰ سال قرار دارند.

گفتار سوم: سوالات بلی / نخیر

گویه ها	بلی	نخیر
آیا خشونت های فامیلی در ولایت دایکندی وجود دارد؟	۹۲٪	۸٪
آیا تا حال در محیط خانه مورد خشونت قرار گرفته اید؟	۶۶٪	۳۴٪
آیا به قضایای خشونت های فامیلی رسیدگی قضایی صورت می گیرد؟	۲۴٪	۷۶٪
آیا در ولایت دایکندی محیط خانه برای زنان امن می باشد؟	۲۱٪	۷۹٪
آیا سطح سواد اعضای خانواده در میزان خشونت های خانوادگی نقش دارد؟	۵۸٪	۴۲٪
آیا وضعیت اقتصادی خانواده ها در میزان خشونت های فامیلی نقش دارد؟	۷۴٪	۲۶٪

شرح جدول:

پاسخ ها و نظریات جمع آوری شده از تحقیق نشان می دهد که: ۹۲٪ پاسخ دهنده گان به این باور هستند که خشونت های فامیلی در ولایت دایکندی وجود دارد و ۶۶٪ پاسخ دهندگان کسانی بودند که به نحوی در محیط خانه مورد خشونت قرار گرفتند. در مورد امن بودن محیط خانه برای زنان در ولایت دایکندی ۷۹٪ پاسخ دهنده گان نظر منفی داشتند و نشان می دهد که حتی محیط خانه برای زنان امن نبوده و به انواع و اشکال مختلف درین محیط نیز آنها مورد خشونت قرار می گیرند.

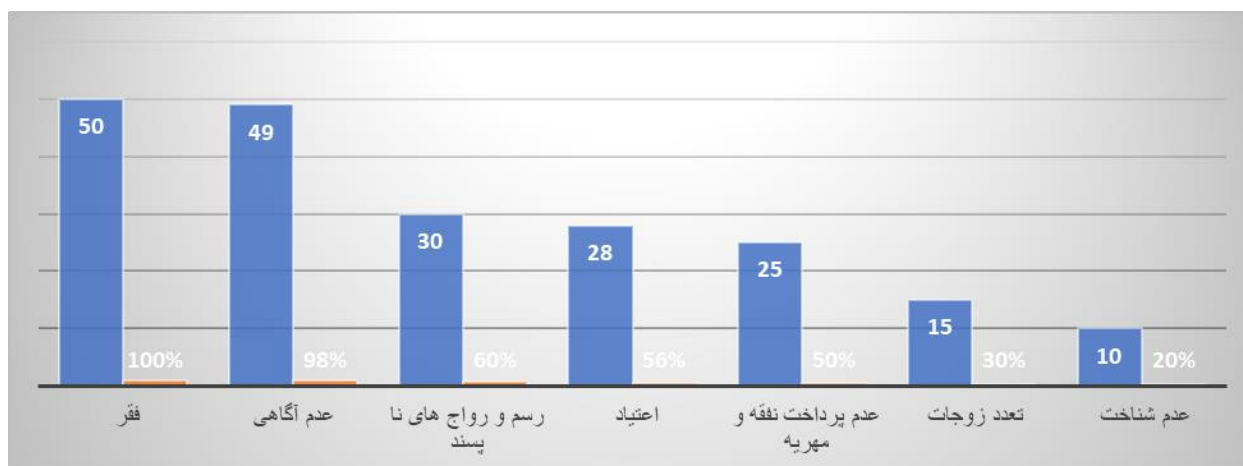
گفتار چهارم: معمول ترین مصداق ها و مواردی خشونت های فامیلی در ولایت دایکندی

با توجه به دیدگاه جامعه شناختی، قدامت خشونت به زندگی بشر برمی گردد که از دیر زمانی تا حالا به انواع و اقسام مختلف دامنگیر تمام جوامع بشری چه در کشور های صنعتی و پیشرفته و چه در کشور های فقیر و جهان سوم وجود داشته است. اشکال خشونت از یک کشور تا کشور دیگر نظر به فرهنگ شان متفاوت می باشد هم چنان و اکنش های جامعه نیز نظر به هنجار های فرهنگی-اجتماعی شان مختلف می باشند؛ بنابراین عوامل خشونت هم متفاوت است هم می تواند عوامل زیادی داشته باشد که در این میان کشور عزیز ما افغانستان نیز از جمله کشور های است که تجربه خشونت را از قبل تا شرایط فعلی دارند. خشونت در خانه انواع و اقسام متعددی را شامل می شود و به اعتبار نوع و یا شخص قابل تقسیم بندی می باشد، اقسام خشونت خانگی به اعتبار نوع خشونت، شامل خشونت جسمی، خشونت روانی، خشونت جنسی، خشونت بهداشتی، خشونت مالی و... می شود. به اعتبار شخص نیز خشونت خانگی ممکن است در یکی از اشکال همسر آزاری، کودک آزاری، فرزندکشی، ضرب و جرح و یا قتل والدین و خشونت فرزندان درباره ی یکدیگر ظهور و بروز پیدا کند.

گفتار پنجم: بارز ترین عوامل خشونت های فامیلی در ولایت دایکندی

و در این تحقیق گفتگو با مردم عام، مسئولین نهادهای عدلی-قضایی، خانم‌ها، جوانان، محصلین، فعالین مدنی، فعالین حقوق زن، اصحاب رسانه و سایر اқشار جامعه از طریق پرسشنامه، مصاحبه، چک و بررسی پرونده های خشونت های فامیلی، مهمترین عوامل خشونت های فامیلی را به بررسی گرفتیم. بر اساس یافته های تحقیق در این نمودار مهمترین و بازر ترین عوامل خشونت های فامیلی در ولایت دایکندی نشان داده شده که بعدا به توضیح هر کدام می پردازیم.

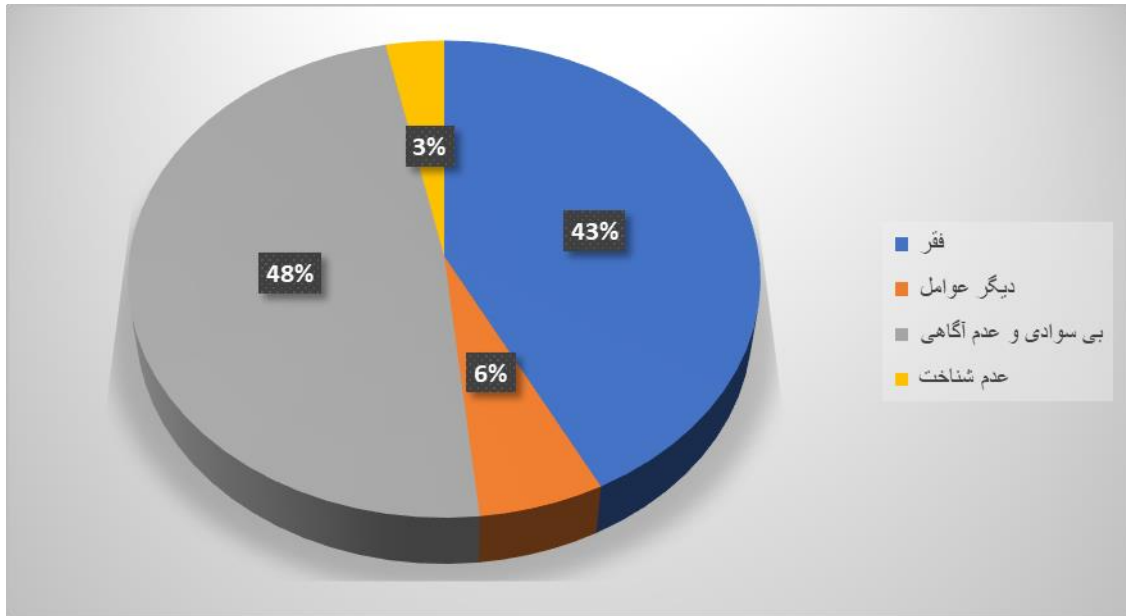
هفت عامل بارز خشونت های فامیلی در ولایت دایکندی



۱. فقر

فقر در یک بیان عام به موقعیتی گفته می شود که نیازها و خواسته‌ها به طور کامل و مناسب برآورده نمی شود. جغرافیای فقر، شامل تمام ملل جهان می شود که افغانستان و دایکندی نیز از همه بیشتر در این پدیده آغشته است فقر یکی از عمده‌ترین عامل خشونت‌های فامیلی در ولایت دایکندی است در این تحقیق پرسشنامه ای که با مردم عام، مسئولین اداری و مدنی داشتم، اکثریت (۱۰۰٪) پاسخ دهنده گان از افراد بین سنین ۱۹ - ۳۰ و ۳۱ - ۵۱ سال، فقر را بارزترین پدیده ای برای آغاز خشونت‌های خانوادگی می دانند. همچنان از بین (۱۶۶) قضیه خشونت در سارنوالی اختصاصی منع خشونت علیه زنان در ریاست سارنوالی استیناف ولایت دایکندی که از شروع سال مالی (۱۳۹۸/۱۰/۱۳) الی (۱۳۹۹/۸/۲۵) ثبت گردیده است (۱۳۰) قضیه شان ریشه در فقر خانواده‌ها دارند (آرشیف سارنوالی استیناف ولایت دایکندی). که نشان می دهد ۷۸٪ قضایای خشونت های فامیلی ریشه در فقر داشته و برخاسته از مشکلات اقتصادی می باشد. هم چنان " سلطان علی جوادی مسئول رادیو نسیم" در ولایت دایکندی می گوید بر اساس آمار های مسئولین اداره محلی ۹۲٪ مردم زیر خط فقر قرار دارند. (آرشیف قضایای سارنوالی ابتدائیه مبارزه با خشونت علیه زن و تخلفات اطفال؛ ریاست سارنوالی استیناف ولایت دایکندی و شبکه رادیو نسیم)

قضایای خشونت های فامیلی در سارنوالی استیناف ولایت دایکندی (۱۳۹۸/۱۰/۱۳) الی (۱۳۹۹/۸/۲۵)



۲. عدم آگاهی عامه و بی‌سوادی

دایکندی یکی از ولایت‌های است که مردم‌شان از آگاهی کمتر و سطح سواد پایین‌تر برخوردار است چون امکانات آموزشی کمتر داشته و مردم‌شان بی‌نهایت فقیر بوده که نتوانسته است به ولایت‌های پیشرفته افغانستان و یا بیرون از آن برای ادامه تحصیل سفر نماید این مسأله متأسفانه در ولسوالی‌های ناوه میش، کیتی، کجران و پاتو نسبت به سایر ولسوالی‌ها بیشتر است (۹۸٪) از مصاحبه‌کنندگان که بین سنین ۱۸-۵۰ سال قرار دارند، این عوامل را نیز از مهمترین عوامل خشونت قلمداد می‌کند. در بین (۱۶۶) قضیه ثبت شده سارنوالی ابتدائیه منع خشونت، ریاست سارنوالی استیناف ولایت دایکندی تقریباً (۱۴۸) قضیه‌شان ریشه در عدم آگاهی و بیسوادی داشته و به نحوی عامل مستقیم‌شان می‌باشند چون قضایا بیشتر لت و کوب و آزار و اذیت است اما اگر فهم و آگاهی وجود داشته باشد این مسائل دیگر مفهوم ندارد.

۳. تعدد زوجات، ازدواج‌های زیر سن و اجباری

ازدواج عبارت از عقدی است که افراد را در جهت سلامتی روانی، جسمی اعضا و بقای نسل به هم می‌بندد، طوری که خداوند در سوره اعراف- آیه (۱۸۹) می‌فرماید: (هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها" و خدای است که شما را از نفس واحدی آفریده و همسر شما را از جنس شما قرار داد تا در کنار او آرامش و آسایش بیابید." (قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۱۸۹) اما بعضاً این عقد به سبب گرفتن زوجات متعدد، یا اینکه در اول طرفین، زیر سن قانونی قرار داشته و یا هم به صورت اجباری انجام شود مشکلات و چالش‌های عدیده‌ای را در کانون خانواده به بار می‌آورد، ۳۰٪ پاسخ‌دهنده‌ها از افراد عام و مسئولین اداری و مدنی بین سنین ۱۸-۳۰ سال، تعدد زوجات را نیز از عامل بارز خشونت‌های فامیلی در ولایت دایکندی می‌شمارد. مدیر حقوق، ریاست امور زنان ولایت دایکندی طی مصاحبه‌شان تعداد قضایای فامیلی را ناشی از تعدد زوجات در حدود ده قضیه در سال جاری یاد می‌کند. (آرشیف قضایای ریاست امور زنان ولایت دایکندی)

۴. اعتیاد مردان و زنان به مواد مخدر

بدون شک رو آوردن مردان و زنان به اعتیاد و مواد مخدر در ولایت دایکندی رو به افزایش است. این پدیده ای خطرناک و مزمن به تدریج کانون گرم خانواده را از هم پاشیده و به تباهی می کشاند. اکثریت از پاسخ دهندگان به این مسأله یادآوری نموده گفت: اعتیاد ریشه در فقر و ناهنجاری های اجتماعی داشته و تأثیرات مستقیم بالای خشونت های فامیلی دارند، چون یکی از اعضای فامیل اگر معتاد باشد دیگران را نیز آمیخته کرده، وسایل خانه را به فروش رسانده و فشارهای خشن را در خانواده اعمال می کند، که این روند زمینه ای خشونت های فامیلی را به خوبی مهیا می سازد (مصاحبه کنندگان آزاد). از میان پاسخ دهندگان ۵۶٪ پاسخ دهنده گان اعتیاد را عامل موثر و بارز خشونت های خانوادگی در این ولایت می دانند.

۵. عدم شناخت در سویه شخصیتی، تحصیلی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

امروزه در دایکندی آمار طلاق رو به افزایش بوده خودکشی، مسمومیت، حلق آویز نمودن از جمله مواردی است که اشخاص در زمان ازدواج از طریق وسایل تکنالوژی معلوماتی باهمدیگر آشنا شده و باهم ازدواج می کنند بدون اینکه شناخت از هم داشته باشد، سویه تحصیلی، اقتصادی، نوع نگرش سیاسی، ارزش های فرهنگی خویش را مقایسه کنند. بناءً عدم در نظر گرفتن چنین مسائلی بسی مهم است، زیرا در اوایل زندگی با محبت زندگی کرده و جنجال ها و کشمکش بعداً شروع خواهد شد و سبب پیامدهای چون خودکشی، طلاق، مریضی های روانی و امثال آن می گردد. که از میان پاسخ دهنده گان ۲۰٪ به این بارو بودند که عدم شناخت در سویه شخصیتی، تحصیلی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز از عواملی است که بیشتر موجب بروز قضایای خشونت های خانوادگی در این ولایت می باشد. از طرفی هم از مجموع قضایای ثبت شده در سارنوالی منع خشونت به تعداد (۱۰) قضیه آن را تجاوزجنسی، خودکشی، مسمومیت و حلق آویز تشکیل داده که این موارد ناشی از عدم شناخت سویه های افراد در درجه تحصیل، سطح اقتصاد، سیاست و عدم انعطاف پذیری ارزش های فرهنگی در بین زوجین است. (آرشیف قضایای سارنوالی ابتدائیه مبارزه با خشونت علیه زن و تخلفات اطفال؛ ریاست سارنوالی استیناف ولایت دایکندی)

۶. رسم و رواج های ناپسند

مسئولین رادیو دایکندی، رادیو صدای قریه، رادیو تلوزیون ملی و فعالین مدنی و حقوق زن با اندک اختلاف نظر بر این باوراند که: رسم و رواج های ناپسند یکی دیگر از عوامل خشونت های فامیلی در ولایت دایکندی است. همانطور که آمار افراد بیسواد در این ولایت بالا است؛ همان رسم و رواج های کلیشه ای هنوز در جامعه حاکم است، چون مردم ما قدرت تحول و تجزیه فرهنگ درست را از نادرست ندارند. اکثریت از شهروندان در افراط و تفریط باورهای سنتی خشونت های زیادی را در همه سطوح خصوصاً در سطح خانواده متقبل می شود (آرشیف رادیو دایکندی؛ رادیو صدای قریه، رادیو و تلوزیون ملی). و ۶۰٪ پاسخ دهنده گان نیز همین رسم و رواج های ناپسند را عامل خشونت های فامیلی در ولایت دایکندی قلمداد کردند.

۷. عدم پرداخت نفقه و مهریه

عدم پرداخت نفقه و مهریه نیز باعث خشونت های فامیلی در ولایت دایکندی می گردد، چون در قسمت مهر اکثریت ازدواج های که صورت می گیرد و مهر نیز تعیین می شود، به اساس رسم و رویه ای که در بین جامعه دایکندی وجود دارد به زودترین وقت پرداخت نمی شود یا اینکه موی سفیدان، علما، میانجگیری نموده تا زن مهریه اش را به شوهرش ببخشد، اینجاست که زنان کم، کم استقلالیت خود را از دست داده فضای خشونت در خانواده حاکم می شود. عدم پرداخت نفقه نیز در این ولایت مروج است اکثریت از پاسخ دهندگان ما به این باور هستند که بسیاری از طلاق ها و خشونت ها

ریشه در این دارد که مردان خانواده به نسبت بیکاری، عدم اشتغال و فقر به جاهای دور سفر نموده و یا اینکه حتی نمی توانند تمام نیازهای خانواده را در یک جامعه فقیر و فلاکت زده مثل دایکندی، مرفوع سازد این مسئولیت را پشت سر می گذارند. ۵۰٪ پاسخ دهنده گان نیز این مورد را یکی از عوامل مهم بروز خشونت های خانوادگی می دانند که از این ناحیه معمولاً خشونت های فامیلی مثل طلاق، روسپی گری، اعتیاد به مواد مخدر و هزاران بدبختی بالای خانواده ها به بار می آیند.

نتیجه گیری

خشونت استفاده و به کارگیری آگاهانه قدرت و نیروی جسمی به صورت عملی یا تهدید آمیز علیه خود یا فرد دیگر یا علیه گروهی از مردم است که به احتمال قوی منجر به آسیب‌های روانی، جراحت، مرگ، محرومیت و رشد غیرطبیعی در شخص یا اشخاص مقابل می‌شود. خشونت از دید روانشناختی یک امر ذاتی است که طبیعتاً از پیش برنامه ریزی شده است و هم به مثابه رفتار اجتماعی آموخته شده می‌باشد؛ یعنی شرایط محیطی و اجتماعی خاصی افراد را به سوی پرخاشگری سوق می‌دهد و خشونت از دید جامعه شناسان نیز امر فطری است؛ طوری که انسان دارای نوع از پرخاشگری بالقوه و ذاتی است و هم نظریه فراگیری اجتماعی، اینکه فرزندان اعمال خشن را از والدین یاد می‌گیرند.

خشونت نه پدیده ای جدیدی است و نه محدود به جغرافیای خاص که معمولاً به خشونت‌های فیزیکی، روانی، کلامی، جنسی و خشونت اقتصادی تقسیم بندی می‌گردد، اما در افغانستان به طور کل خشونت در چهار بخش اعمال می‌شود که عبارت از: خشونت خانوادگی، خشونت قانونی، خشونت اجتماعی، خشونت اقتصادی می‌باشد. خانواده کوچکترین واحد اجتماعی اما مهمترین واحد اثر بخشی حمایتی و تربیتی است. خانواده از نظر عام عبارت از گروه مرکب از شخص و خویشاوندان نسبی و همسر او است، گروهی که از یکدیگر ارث می‌برند و گاهی هم تمام خویشاوندان سببی در مفهوم خانواده شامل می‌گردد.

با توجه به دیدگاه جامعه شناختی قدامت خشونت به زندگی بشر برمی‌گردد که از دیر زمانی تا حالا به انواع و اقسام مختلف دامنگیر تمام جوامع بشری چه در کشورهای صنعتی و پیشرفته و چه در کشورهای فقیر و جهان سوم وجود داشته است. اشکال خشونت از یک کشور تا کشور دیگر نظر به فرهنگ شان متفاوت می‌باشد هم چنان و اکنش‌های جامعه نیز نظر به هنجارهای فرهنگی-اجتماعی شان مختلف می‌باشند؛ بنابراین عوامل خشونت هم متفاوت است هم می‌تواند عوامل زیادی داشته باشد که در این میان کشور عزیز ما افغانستان نیز از جمله کشورهای است که تجربه خشونت را از قبل تا شرایط فعلی دارند. خشونت در خانه انواع و اقسام متعددی را شامل می‌شود و به اعتبار نوع و یا شخص قابل تقسیم بندی می‌باشد، اقسام خشونت خانگی به اعتبار نوع خشونت، شامل خشونت جسمی، خشونت روانی، خشونت جنسی، خشونت بهداشتی، خشونت مالی و... می‌شود. به اعتبار شخص نیز خشونت خانگی ممکن است در یکی از اشکال همسرآزاری، کودک آزاری، فرزندکشی، ضرب و جرح و یا قتل والدین و خشونت فرزندان درباره یکدیگر ظهور و بروز پیدا کند.

مهمترین زمینه‌های گرایش به خشونت در جامعه ما زمینه‌های اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی می‌باشند در بعد اجتماعی محرومیت ساختاری عمده ترین نقش را در گرایش افراد به خشونت‌های فردی و به ویژه خشونت‌های گروهی و شورش-های اجتماعی دارد. در بعد فرهنگی رفتارهای جمعی افراد جامعه متأثر از فرهنگ آن جامعه است یعنی فرهنگ یک جامعه می‌تواند هنجاری را تقویت و یا تضعیف نماید و آرامش طلبی نیز در بطن فرهنگ قرار دارد به هر حال ریشه پرخاشگری و خشونت را می‌توان در میان اجزای فرهنگی یک جامعه جستجو کرد.

در خانواده‌ها معمولاً خشونت‌ها به اساس عوامل متعددی به وجود آمده که در هر زیست بن اجتماعی نظر به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی شان از هم متفاوت می‌باشد. در این تحقیق بررسی عوامل خشونت‌های خانوادگی در ولایت دایکندی مورد بحث قرار گرفت، بعد از تحقیق، مصاحبه‌های مستقیم، مشاهده و مطالعه (۱۶۶) پرونده ثبت شده سارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، ریاست سارنوالی استیناف ولایت دایکندی پیرامون موضوعات خانوادگی به این نتیجه رسیدیم که مهمترین عوامل خشونت‌های فامیلی دایکندی شامل، فقر، عدم آگاهی عامه و پایین بودن سطح سواد، تعدد زوجات، رسم و رواج‌های ناپسند، اعتیاد به مواد مخدر، عدم پرداخت نفقه و مهر در این ولایت است. در بین این

چند عامل برجسته، فقر و عدم آگاهی و پایین بودن سطح سواد مردم، بارزترین عوامل خشونت‌های فامیلی در ولایت دایکندی می باشد.

پیشنهادهات

- ۱- اشتغال زایی خصوصی در سطح قریه جات برای خانواده ها و جوانان.
- ۲- ایجاد بانک قرضه های کوچک برای تقویت امور تجاری و اقتصادی بانوان علاقه مند به فعالیت های اقتصادی.
- ۳- نظارت دقیق از سن ازدواج پسران و دختران در هنگام عقد از طرف محاکم مربوطه.
- ۴- ایجاد کمیته و میکانیزم مشخص متشکل از، شورای های مردمی، اداره ارشاد، حج و اوقاف و اشخاص ذینفوذ، جهت جلوگیری از گله ستانی های گزاف.
- ۵- ایجاد واحد سومی امور زنان در ولسوالی های ولایت دایکندی.
- ۶- ایجاد سارنوالی های اختصاصی منع خشونت علیه زنان در سطح ولسوالی های این ولایت.
- ۷- ایجاد مراکز آموزشی با کیفیت، کورس های کوتاه مدت، و دوامدار برای سنین مختلف در ولسوالی ها.
- ۸- ارائه و ایجاد خدمات انترنتی، کمپیوتری و کتابخانه ای در ولسوالی ها.
- ۹- ایجاد و حمایت گروه مشخص از جوانان و فعالین مدنی در ولسوالی ها جهت تشخیص و آمارگیری قربانیان خشونت های فامیلی.
- ۱۰- آگاهی دهی اقشار بیسواد و عقب مانده جامعه خصوصاً ولسوالی های ناوه میش، پاتو و کجران ولایت دایکندی از طریق انتشارات جمعی، رسانه های همگانی.
- ۱۱- ایجاد مراکز ورزشی در سطح ولسوالی ها برای زنان.

منابع

الف) کتب

- ۱ - قرآن کریم.
- ۲ - ارشدی، علیاور، ملکی، وحید، سعیدی، حمیده، خشونت از منظر جرم شناسی، دوره دوم، سال ششم، بهار ۱۳۹۲. شماره ۲۲.
- ۳ - اشتری، بهناز، قاجاق زنان بردگی معاصر، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۰.
- ۴ - کوئین، بروس، ترجمه و اقتباس دکتور غلام عباس توسلی- دکتور رضا فاضل، مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۲.
- ۵ - طلا بیگی، فاطمه و مزده، بررسی روانشناختی-فرهنگی، کارشناسان ارشد علوم روانشناسی و جامعه شناسی، دانشگاه تهران.
- ۶ - عدالت خواه، عبدالقادر، حقوق فامیل، سال طبع ۱۳۸۷. چاپ اول.
- ۷ - رضایی، صدیقه، آسیب شناسی اجتماعی زنان افغانستان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۰.

ب) قوانین

- ۱- قانون منع خشونت علیه زن، جریده رسمی، وزارت عدلیه، ۱۳۸۷.
- ۲- قانون مدنی افغانستان، جریده رسمی، وزارت عدلیه، سال ۱۳۵۵.

ج) آرشیف ها

- ۱ - آرشیف رادیو دایکندی.
- ۲ - آرشیف رادیو صدای قریه، ولایت دایکندی.
- ۳ - آرشیف رادیو و تلوزیون ملی، ولایت دایکندی.
- ۴ - آرشیف شبکه رادیو نسیم، ولایت دایکندی.
- ۵ - آرشیف قضایای ریاست امور زنان ولایت دایکندی.
- ۶- آرشیف قضایای سارنوالی ابتدائیه مبارزه با خشونت علیه زن و تخلفات اطفال، ریاست سارنوالی استیناف ولایت دایکندی.
- ۷- مصاحبه کنندگان آزاد.

و) سایت های انترنتی

۱. www.dailyafghanistan.com
۲. <http://www.afghan-german.com>